جلسه 36-662

**چهار‌شنبه - 03/09/94**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به این بود که اگر بعد از صوم ثلاثة ایام واجد هدی بشود، مشهور گفتند: نیازی به قربانی نیست و همان صوم مجزی است.

ابن براج مخالفت کرد؛ مرحوم آقای خوئی هم موافق با ابن براج شدند. فرمودند: قاعدۀ اولیه اقتضاء می‌کند که در آخر وقت هم اگر من واجد هدی بشوم مشمول فما استیسر من الهدی باشم نه مشمول فمن لم‌یجد فصیام ثلاثة ایام فی الحج. و روایت عقبة بن خالد هم که موافق با این هست؛ چون می‌گوید: آن روزه‌هایی که گرفته نافله حساب می‌شود؛ قربانی بکشد. صحیحۀ ابی‌بصیر که داشت شخصی واجد الهدی نبود، فلما کان یوم النفر وجد ثمن شاة أ یصوم او یذبح؟ امام فرمود: ان ایام الذبح قد مضت بل یصوم، آقای خوئی فرمودند که این روایت که می‌گوید: یوم النفر مراد یوم النفر از مکه است به وطن؛ چون گفته: ایام الذبح قد مضت، ایام ذبح در منی چهار روز است؛ تا سیزدهم ادامه دارد؛ پس فلما کان یوم النفر وجد ثمن شاة و امام فرمود: ان ایام الذبح قد مضت، یعنی روز سیزدهم هم گذشته بوده، این آقا پول قربانی را بعد از روز سیزدهم پیدا کرده؛ یعنی روز چهاردهم به بعد که یوم النفر از مکه به وطن می‌شود. و لکن ما نمی‌شود ما به این روایت عمل کنیم. چرا؟ برای این‌که این روایت موردش کسی است که اصلا روزه نگرفته. کسی که روزه نگرفته تسالم اصحاب است که باید و لو تا اواخر ذیحجه پول قربانی پیدا کند قربانی بکشد. کسی در این اختلاف نکرده. اختلاف راجع به کسی بود که روزه گرفته بود بعد پول قربانی پیدا می‌کرد.

به چه قرینه شما می‌گویید که این روایت موردش کسی است که روزه نگرفته؟ شیخ طوسی که در تهذی این را حمل کرده بر کسی که روزه گرفته و بعد پول قربانی پیدا کرده. آقای خوئی فرمودند: خود این روایت می‌گوید: أ یصوم او یذبح؟ نمی‌گوید: أ یجتزئ بصومه. این‌که شیخ در تهذیب گفته: أ‌ یصوم یعنی أ یصوم السبعة الایام فی بلده؟ این توجیه شیخ طوسی در تهذیب عرفی نیست. أ یصوم شما این را توجیه می‌کنید که آیا واجب است بعد از این سه روزی که روزه گرفت هفت روز هم در وطنیش روزه بگیرد؟ این چه توجیهی است؟ آقای خوئی فرمودند: غیر از لفظ أ یصوم که ظهور دارد در ابتداء به صوم و احداث صوم؛ غیر از او اصلا ان ایام الذبح قد مضت تعبیر می‌کند حضرت امر به صوم را به مضی ایام ذبح؛ نه به این‌که چون قبلا روزه گرفته بود سه روز را و بعد قربانی پیدا کرد، آن صوم گذشته‌اش مجزی است، این‌طور تعلیل نفرمود حضرت. حضرت فرمود: ان ایام الذبح قد مضت؛ خب ایام ذبح اگر گذشته و منقضی شده چه فرق می‌کند [که] قبلا روزه گرفته باشم آن سه روز را یا نگرفته باشم؟ ایام ذبح منقضی شده؛ دیگه وقت ذبح گذشته. نمی‌شود این روایت را حمل کنیم بر جایی که قبلا روزه گرفته بوده بعد قربانی پیدا کرده بگوییم: آنی که قبلا روزه نگرفته بوده و لو روز چهاردهم پول قربانی پیدا کند او باید ذبح کند، روایت می‌گوید: ان ایام الذبح قد مضت، ما بگوییم: آنی که قبلا روزۀ سه روز را نگرفته بعد پول قربانی پیدا کند باید ذبح کند؟ این‌که توجیه روایت نیست. پس روایت یک معنایی را می‌گوید که هیچکس ملتزم نشده. و در روایت هم داشتیم که کسی که پول قربانی را دارد یخلفه الثمن عند بعض اهل مکه تا آخر ماه ذیحجه وقت است برای قربانی.

این فرمایش مرحوم آقای خوئی.

به نظر ما این فرمایش‌ها مناقشه دارد. مناقشه‌ای که ما داریم راجع به این صحیحۀ ابی‌بصیر می‌گوییم: شما ادعاء می‌کنید تسالم اصحاب را بر این‌که بعد از ایام تشریق اگر پول قربانی را پیدا کرد ولی هنوز روزه نگرفته بود، می‌گویید: این مورد تسالم اصحاب است که باید قربانی بکشد. کجای این، مورد تسالم اصحاب است؟ بفرمایید! من لا‌یحضره الفقیه صریحا فتوی داده. تعبیری که می‌کند این است: ان لم‌یصم الثلاثة الایام فوجد بعد النفر ثمن هدیٍ فانه یصوم الثلاثة لان ایام الذبح قد مضت. دقیقا مضمون صحیحۀ ابی‌بصیر را عمل کرده. کجا تسالم اصحاب است بر این فرمایش شما؟ که کسی که سه روز را روزه نگرفته بود، بعد از ایام تشریق پول قربانی را پیدا کرد تسالم اصحاب است که قربانی بکند؟ ابدا؛ مشهور بین اصحاب است نه تسالم اصحاب. و ما وجهی ندارد رفع ید کنیم از این صحیحۀ ابی‌بصیر. ملتزم می‌شویم به این‌که بعد از ایام تشریق پول قربانی پیدا کند این حاجی بدرد نمی‌خورد؛ چه روزه گرفته باشد چه نگرفته باشد. قربانی دیگه وقتش گذشت؛ باید روزه بگیرد.

فقط صحیحۀ حریز کسی را که واجد ثمن هدی بود ولی هدی پیدا نمی‌کرد فرمود: یخلف ثمنه عند بعض اهل مکة لیشتری شاة فیذبح بمکة. صحیحۀ حریز متنش این است: صحیحۀ حریز راجع به کسی که پول قربانی دارد اما قربانی پیدا نکرده فرموده که یخلف الثمن فی متمتع یجد الثمن و لایجد الغنم قال: یخلف الثمن عند بعض اهل مکة و یأمر من یشتری له و یذبح عنه و هو یجزئ عنه. فان مضی ذوالحجة اخّر ذلک الی قابل من ذی‌الحجة. تا آخر ماه ذیحجه هم فرصت هست برای کسی که فاقد هدی است نه فاقد ثمن هدی. اما صحیحۀ ابی‌بصیر فرضش این است که فاذا کان یوم النفر وجد ثمن شاة؛ تفصیل می‌دهیم می‌گوییم:‌ اگر قبلا پول قربانی داشت قربانی پیدا نکرد، پولش را امانت می‌گذارد نزد بعض اهل مکه تا آخر ذیحجۀ امسال شد برایش قربانی می‌کشند؛‌ نشد سال آینده می‌کشند. اما کسی که اصلا پول قربانی ندارد که مورد صحیحۀ ابی‌بصیر است، می‌گوییم بعد از ایام تشریق پول قربانی پیدا کرده باشد بدرد نمی‌خورد. روزه می‌گیرد سه روز را؛ یصوم ثلاثة ایام. بله ان ایام الذبح قد مضت؛ ایام ذبح سپری شده...

[سؤال: ... جواب] آیه که نگفت فما استیسر من الهدی تا آخر ذیحجه. فوقش اطلاق دارد؛ ما من عام و قد خص. ان ایام الذبح قد مضت؛ ما به این استدلال می‌کنیم. ثلاثة ایام فی ذی‌الحجة؛ چه ربطی دارد به فما استیسر من الهدی؟ فما استیسر من الهدی فی ایام التشریق. شهرت بر خلاف این صحیحه ابی‌بصیر است؛ اما تسالم اصحاب مطرح نیست.

[سؤال: ... جواب] اعراض از دلالت کردند؛ حمل کردند این صحیحه را بر کسی که قبلا روزه گرفته. توجیه دلالی کردند. این‌که اعراض از سند نیست. اعراض از دلالت هم تازه نیست. توجیه است و حمل این صحیحه است بر کسی که آن سه روز را روزه گرفته بوده. این هم آن سه روز را روزه گرفته بوده، بل یصوم؛ آن هفت روز را هم در ادامه روزه می‌گیرد.

[سؤال: ... جواب] برای همین من عرض می‌کنم آقای خوئی هم این را فرمود: صحیحۀ ابی‌بصیر حملش بر کسی که قبلا روزه گرفته این عرفی نیست به قول آقای خوئی؛ ولی مشهور این‌طور حمل کردند؛ توجیه کردند. ما که تابع مشهور نیستیم در توجیهات‌شان. مشهور اعراض نکردند نه از سند این روایت نه از دلالت این روایت. جمع عرفی کردند بین روایات. ما این جمع عرفی را قبول نداریم.

اما راجع به روایت حماد و روایت عقبة بن خالد، سند روایت حماد البته ضعیف است؛ بلکه سند روایت عقبة بن خالد هم به نظر ما ضعیف است. و لذا ما اصلا به آن‌ها استدلال نمی‌کنیم. ولی اگر غمض عین از سند بکنیم، از جهت دلالی آن‌ها قابل جمع است. روایت حماد این است: متمتع صام ثلاثة ایام فی الحج ثم اصاب هدیا یوم خرج من منی قال: أجزأه صیامه. خب این با بیان ما قابل توجیه است؛ ما می‌گوییم: اجزأه صیامه؛ برای این‌که ایام ذبح اگر گذشته باشد، آخر روز سیزدهم قربانی پیدا کرده که دیگر فرصت نیست که دیگر ایام الذبح قد مضت. اگر اوائل روز سیزدهم خارج شده از منی و قربانی پیدا کرده که می‌تواند همان روز سیزدهم قربانی بکند، ما می‌گوییم اگر این روایت سندش تمام بود، یک مطلبی را تعبدا استفاده می‌کردیم؛ می‌گفتیم: این شخص هم دیگر نیاز ندارد قربانی بکند؛ اجزأه صیامه؛ مجزی است صیامش. روز سیزدهم اگر قربانی پیدا کرد و می‌تواند همین روز سیزدهم ذبح کند، اگر نمی‌تواند که هیچ؛ اگر می‌تواند، فرصت هست، این روایت می‌گوید اجزاه صیامه. اما نمی‌گوید ذبح مجزی نیست؛ اجزاه صیامه. اگر سند روایت تمام بود ملتزم می‌شدیم.

[سؤال: ... جواب] چون خروج متعارف از منی روز سیزدهم بوده و اما روز دوازدهم خب ایام ذبح قطعا باقی است. حالا ما از باب این‌که متعارف بوده در آن زمان خروج روز سیزدهم قدر متیقن را این حساب می‌کنیم که روز سیزدهم اگر خارج شد و لو متمکن از ذبح است در همین روز، اجزأه صیامه؛ اگر سند روایت تمام باشد.

بلکه همانطور که آقا اشاره کرد ممکن است بگوییم روایت اطلاق دارد نسبت به کسی که روز دوازدهم خارج شده؛ متعارف روز سیزدهم بوده خارج می‌شدند ولی اطلاق شامل فرض غیر متعارف هم می‌شود. روز دوازدهم خارج شده، منتها روزه گرفته بوده سه روز را قبلش، قربانی پیدا کرده، اول روزه گرفته، فکر می‌کرد قربانی پیدا نمی‌کند، بعد قربانی پیدا کرد، اجزأه صیامه. اگر سند این روایت درست بود ملتزم می‌شدیم. ولی این به معنای عدم مشروعیت ذبح در ایام ذبح تشریق نیست؛ اجزأه صیامه. ولی چون سند این روایت تمام نیست، ما علی القاعدة حساب می‌کنیم نمی‌توانیم بگوییم اجزأه صیامه؛ با توجه به این‌که ایام تشریق تمام نشده و می‌تواند این آقا ذبح بکند. چون سند این روایت را قبول نداریم علی القاعدة حرف می‌زنیم.

اما روایت عقبة بن خالد می‌گوید: سألت اباعبدالله علیه السلام عن رجل متمتع و لیس معه ما یشتری به هدیا فلما ان صام ثلاثة ایام فی الحج اجزأ، أ یشتری هدیا فینحره او یصوم سبعة ایام اذا رجع الی اهله؟ قال: یشتری هدیا فینحره و یکون صیامه الذی صامه نافلة. می‌گوییم: ‌این روایت عقبة بن خالد می‌گوید که آن صوم که گرفت قبل از وجدان ثمن هدی، مجزی نیست. حالا که وجدان ثمن هدی کرده، ثمن هدی بدستش رسیده، یشتری هدیا فینحره. ولی اطلاق دارد به لحاظ مضی ایام تشریق و عدم مضی ایام تشریق. صحیحۀ ابی‌بصیر قیدش می‌زند. صحیحۀ ابی‌بصیر می‌گوید به شرط این‌که ایام الذبح قد مضت، نباشد. صحیحۀ ابی‌‌بصیر می‌گفت:‌ قبل از مضی ایام ذبح اگر پول قربانی را پیدا می‌کنی قربانی بکن؛ و الا بعدش دیگه قربانی از کار می‌افتد باید روزه بگیری. نسبت عموم و خصوص مطلق است.

[سؤال: ... جواب] بحث در این است: صحیحۀ ابی‌بصیر می‌گوید: بعد از مضی ایام تشریق، ایام ذبح منقضی شده. این وظیفه‌اش روزه است؛ چه قبلا روزه گرفته بوده چه نگرفته بوده. اگر هم نگرفته بوده که قدر متیقن از روایت است، باز هم نوبت به قربانی نمی‌رسد بعد از ایام تشریق؛ وظیفه‌اش صوم است. یعنی قدر متیقن این است:‌ اگر روزه هم نگرفته بود، ایام تشریق گذشت بعد قربانی پیدا کرد، وظیفه‌اش دیگه ذبح نیست؛ وظیفه‌اش صوم است. این روایت عقبة‌ بن خالد اطلاق دارد؛ می‌گوید اگر پول قربانی پیدا کردی باید قربانی بکشی؛ اگر هم قبلا روزه گرفتی مجزی نیست؛ اگر هم نگرفتی که چه بهتر. می‌گوییم: اطلاق دارد؛ قیدش می‌زنیم می‌گوییم به شرط این‌که پول قربانی را قبل از انقضاء ایام ذبح پیدا کنی.

دو مطلب را یکی از استادمان قدس سره نقل کنم؛ یکی از مرحوم آقای داماد.

مرحوم استاد در کتاب التهذیب فی مناسک العمرة و الحج، فرمودند که به نظر ما نه تنها وجدان ثمن هدی بعد از روز سیزده بدرد نمی‌خورد چون ایام الذبح قد مضت، باید روزه بگیرد، بلکه اگر روز سیزدهم هم ثمن هدی پیدا کند همین را می‌گوییم. می‌گوییم: ایام الذبح قد مضت، ایام الذبح قد مضت ایام الذبح روز دهم و یازدهم و دوازدهم است؛ روز سیزدهم ایام الذبح نیست. روز سیزدهم پول قربانی پیدا کردی، پول قربانی بگذار تو جیبت؛ لازم نیست قربانی بخری؛ روزه بگیر. چرا؟ ایشان فرمودند: ببینید! در این روایت می‌گوید: فاذا کان یوم النفر وجد ثمن شاة؛‌ ظاهر یوم النفر یوم النفر از منی است؛ و چون دیگر مسلم روز دوازدهم جزء ایام ذبح است؛‌ این دیگه مسلم است؛‌ می‌گوییم مراد از یوم النفر روز سیزدهم است‌ -نفر دوم، النفر الثانی، نفر روز سیزدهم-. فاذا کان یوم النفر یعنی یوم نفر ثانی، وجد ثمن شاة، امام می‌فرماید‌: فیصوم فان ایام الذبح قد مضت.

ایشان فرمودند که به ما اشکال نکنید که این صحیحۀ ابی‌بصیر یک نقل دیگر هم دارد در تهذیب که تهذیب نقل می‌کند از عبیس، عبیس بن هشام عن کرّام، کرام همان عبدالکریم بن عمرو است که ثقه است، عن ابی‌بصیر، آنجا دارد: حتی اذا کان بعد النفر وجد ثمن شاة؛ بر خلاف آن صحیحۀ ابی‌بصیر که در کافی هم نقل کرده که دارد: فاذا کان یوم النفر وجد ثمن شاة، در یوم النفر پول قربانی بدست آورد، اینجا دارد: حتی اذا کان بعد النفر، بعد النفر ثمن شاة را پیدا کرد. بعد النفر بگوییم دیگه ظهور ندارد در روز سیزدهم؛ روز چهاردهم هم پیدا کرده باشد پول قربانی، صحیح است بگوییم بعد النفر وجد ثمن شاة. بعد ایشان فرموده: یک‌وقت به ما اشکال نکنید که وقتی این نقل دوم پیش آمد، دیگه ما نمی‌دانیم روایت ابی‌بصیر که از امام سؤال کرده، چی گفته؟ گفته فاذا کان یوم النفر وجد ثمن شاة؟ که نتیجه‌اش این می‌شود که روز سیزدهم اگر پول قربانی بدست بیاورد فایده ندارد، روزه می‌گیرد. اما اگر باشد: حتی اذا کان بعد النفر وجد ثمن شاة، خب این شامل بعد از روز سیزدهم هم می‌شود و ظهور ندارد که روز سیزدهم ثمن شاة پیدا کند. شد مجمل. آن‌وقت دیگه ما وقتی مجمل شد، فاذا کان بعد النفر ممکن است روز چهاردهم قربانی پیدا کرده باشد، این دیگه ما نمی‌توانیم روز سیزدهم هم بگوییم اگر پول قربانی پیدا کردی برو روزه بگیر، قربانی فایده ندارد.

ایشان فرموده: چه دلیلی دارد که این دو روایت را ما یکی کنیم. شاید ابی‌بصیر یک بار از امام سؤال کرد به این لسان فاذا کان یوم النفر وجد ثمن شاة؛ یک بار دیگر از امام سؤال کرد، گفت: حتی اذا کان بعد النفر وجد ثمن شاة. و جالب هم این است: در این نقل دوم دارد که و لم‌یصم الثلاثة الایام. تصریح می‌کند این نقل دوم و لم‌‌یصم الثلاثة الایام. بعد آقای تبریزی فرمودند که بنابراین وقتی دو تا روایت شد، دلیل نداریم که وحدت روایت باشد؛ دو تا سند است. خبر ثقه هم حجت است؛ احتمال می‌دهیم هر دو خبر، صادق باشد. چرا رفع ید کنیم از ظهور خبر اول که می‌گفت فاذا کان یوم النفر وجد ثمن شاة؟ چرا از او رفع ید کنیم؟ عمل می‌کنیم به او؛ می‌گوییم: روز سیزدهم پول قربانی پیدا کردی برو روزه بگیر؛ قربانی را ولش کن. بعد ایشان فرموده که احتیاج به این روایت هم نداریم؛ صحیحۀ محمد بن مسلم هم داریم که می‌گوید: ایام نحر در منی سه روز است. اذا وجد الرجل هدیا ضالا فلیعرفه یوم النحر و الثاني و الثالث ثم لیذبحها عن صاحبها عشیة الثالث. روز دهم گمشدۀ را پیدا کرده، وجد هدیا ضالا، روز دهم در منی می‌گردد [می گوید] ایها الناس! ما یک هدی پیدا کردیم علامت بدهید تا تحویل بدهیم، روز یازدهم می‌گردد، روز دوازدهم هم تا بعدازظهر نزدیک عصر، عشیة یوم الثالث، روز سوم نحر روز دوازدهم می‌شود، باز می‌گردد، پیدا نشد صاحبش نحرش می‌کند از طرف صاحبش. اگر ایام ذبح چهار روز است، روز سیزدهم هم تا بعدازظهر امام مناسب بود بفرمایند ادامه بدهد فحصت را از مالک این هدی. معلوم می‌شود ایام ذبح تا روز دوازدهم تمام می‌شود.

نگویید: صحیحۀ علی بن جعفر می‌گوید: الاضحی بمنی اربعة ایام؛ اضحی در منی چهار روز است؛ یعنی روز سیزدهم هم جزء اضحی است. ایشان فرموده: بله، اضحی بمنی چهار روز است؛ اضحی یعنی اضحیۀ مستحبه است. اما بروید بگردید آن ادله‌ای که می‌گوید: النحر، یوم النحر، یا النحر بمنی آن‌ها را ببینید چند روز است. اضحی بمنی، اربعة ایام؛ خب [مراد] اضحیۀ مستحبه است. صحیحۀ محمد بن مسلم راجع به هدی واجب می‌گفت سه روز. معتبرۀ کلیب اسدی: النحر بمنی ثلاثة ایام؛ تعبیر به نحر که ظاهر در همان یوم النحر که همان یوم نحر در حج است می‌شود که النحر بمنی ثلاثة ایام. بله اضحیۀ مستحبه تا روز سیزدهم هم ادامه دارد.

این فرمایش مرحوم استاد.

به نظر ما البته خوشحال شدیم که استاد قدس سره چون ندیده بودم، موجب تقویت روحیۀ ما شد که می‌خواستیم همین را بگوییم که تا بعد از ایام ذبح اگر پول قربانی پیدا نکرد، بعد از انقضاء ایام ذبح پول قربانی پیدا کرد، طبق صحیحۀ ابی‌بصیر: ان ایام الذبح قد مضت، فلیصم؛ چه قبلا روزه گرفته باشد چه نگرفته باشد. ایشان این را قبول کردند.

اما راجع به روز سیزدهم ما به نظرمان این را نمی‌شود پذیرفت که روز سیزدهم جزء ایام قربانی نیست. ایام قربانی واجب در حج به نظر ما چهار روز است.

راجع به این الاضحی بمنی اربعة ایام و فی سائر البلاد ثلاثة ایام ایشان فرمود اضحیۀ مستحبه؛ [لکن] اضحی قدر متیقنش در منی این است که می‌تواند هدی واجب حج را در منی انجام بدهد.

[سؤال: ... جواب] اضحی اعم است؛ قدر متیقنش همان ایام النحر است. چه فرق می‌کند با معبترۀ کلیب اسدی که داشت: عن النحر قال: اما بمنی ثلاثة ایام؟ نحر با اضحی چه فرق می‌کند؟ مگر او گفت که اما الهدی الواجب فبمنی ثلاثة ایام تا او را با این صحیحۀ علی بن جعفر فرق گذاشتید؟ خب این می‌گوید الاضحی بمنی اربعة ایام صحیحۀ علی بن جعفر؛ معتبرۀ کلیب می‌گوید: النحر بمنی ثلاثة ایام. اتفاقا روایتی هم داریم الاضحی بمنی ثلاثة ایام؛ همان لفظ اضحی است؛ صحیحۀ محمد بن مسلم. صحیحۀ محمد بن مسلم می‌گوید: الاضحی بمنی ثلاثة ایام. حمل بر تاکد استحباب می‌شود که الاضحی بمنی درست است چهار روز است، اما شدیدا مستحب است که تاخیر به روز سیزدهم نیندازید. ظاهر عرفی‌اش این است. الاضحی بمنی یکی می‌گوید: اربعة ایام؛ صحیحۀ محمد بن مسلم می‌گوید: الاضحی بمنی ثلاثة ایام؛ یا النحر بمنی ثلاثة ایام. تاکد استحباب است.

[سؤال: ... جواب] ایام ذبح در منی یکی می‌گوید: چهار روز است؛ یکی می‌گوید: سه روز. چهار روز است از باب امهال؛ از باب تسهیل. ولی اصلش سه روز است؛ یعنی آن‌که ملاک شدید دارد سه روز ملاک دارد. روز چهارم وقت اضافی است؛ وقتی است که تمدید کردند برای آن‌ها که مثلا موانعی پیش آمده، روز سیزدهم بیایند ذبح کنند. متفاهم عرفی این است.

و آنی که ایشان راجع به صحیحۀ ابی‌بصیر فرمود که یک نقل دیگری دارد شیخ، ما کاری به آن نقل دوم نداریم؛ چون سند او ضعیف است؛ عبیس توثیق ندارد. اول بدون در نظر گرفتن او صحبت کنیم. خود صحیحۀ ابی‌بصیر که سند صحیح دارد، دارد: فلما کان یوم النفر وجد ثمن شاة؛ انصافا یوم النفر ظهور ندارد در یوم النفر از منی. اگر بحث منی بود، می‌گفتیم: یوم النفر ظهور دارد در نفر از منی. اگر می‌گفتند: یوم الحصبة و هو یوم النفر، می‌گفتیم: ظهور دارد به قرینۀ یوم الحصبة در نفر از منی. همین‌طوری یک کسی بیاید از شما سؤال کند؛ بگوید: من پول قربانی نداشتم، ولی روز کوچ کردن پول قربانی پیدا کردم، شما می‌گویید: یعنی کوچ کردن از منی؟ مجمل است. شاید مراد روز کوچ کردن از مکه باشد به وطن. اجمال دارد. ظهور ندارد در نفر یوم ثالث‌عشر.

وقتی اجمال داشت، نگویید ترک استفسار حجت است؛ سؤال اگر مجمل بود و امام ترک استفسار کرد معلوم می‌شود علی ایّ تقدیر امام جواب این سؤال را می‌دهد؛ مثل این‌که شما به یک کسی بگویید زید را من اکرام بکنم؟ مجمل است که زید عالم را می‌گویید یا زید جاهل را؟ بگویند بله اکرامش کن. ترک استفسار است. مجمل را اگر نیاز داشت به استفسار آقا سؤال می‌کرد مرادت از زید کدام زید است؟ زید عالم است یا زید جاهل است؟ سؤال نکرد. مطلق گفت بله برو اکرامش کن، اطلاق دارد. ممکن است شما بگویید امام ترک استفسار کرد. بطور مطلق فرمود: یصوم ان ایام الذبح قد مضت. ترک استفسار موجب اطلاق جواب است. می‌گوییم: نخیر، اجمال لنا غیر از اجمال للامام است. بله اگر سؤالی در مجلس تخاطب با امام مجمل بود، ترک استفسار مفید اطلاق در جواب هست. مثل همان مثلا هل اکرم زیدا؟ من از مرجع سؤال کردم از مولی سؤال کردم؛ مولی هم نمی‌داند که مراد من از زید کدام زید است؟ فرمود: نعم اکرمه. اما یک وقت راوی می‌آید می‌گوید: من خدمت امام عرض کردم: فلما کان یوم النفر وجد ثمن شاة؛ خب این راوی شاید برای من مجمل صحبت کرد. کی می‌گوید برای امام مجمل صحبت کرده؟ مگر نقل به معنا نمی‌کردند الفاظ را؟ اجمال که حجت نیست؛ ظهور حجت است. خب این کلام مجمل است؛ شاید برای امام مبین صحبت کرد؛ شاید برای امام طوری صحبت کرد: فلما کان یوم نفره من مکة‌ وجد ثمن شاة. منتها حالا برای ما که نقل می‌کرد مجمل نقل کرد. اجمال‌گویی که نقض غرض نیست؛ جون به خلاف واقع مردم نمی‌افتند.

[سؤال: ... جواب] خلاف وثاقت این است که یک کلامی را بگوییم که ظهور دارد در خلاف واقع. مجمل صحبت کردن که خلاف وثاقت نیست.

[سؤال: ... جواب] شما خودت حرف‌هایی که می‌زنی آیا همۀ حرف‌هایت مبین است؟ اول که صحبت می‌کنی، فکر می‌کنی واضح است، بعد یک مقدار که رفتی جلو می‌گویی: عجب چقدر ما مجمل صحبت کرده بودیم. پس احتمال اجمال لنا وقتی هست جواب امام، اطلاق ندارد.

علاوه بر این‌که جمعش با الاضحی بمنی اربعة ایام اقتضاء می‌کند بگوییم: مراد یوم النفر من مکة است تا بشود اربعة ایام از ایام ذبح.

اما آن روایت دوم که ایشان ذکر کرد، سندش ضعیف است؛‌ قابل اعتناء نیست. ولی اگر سندش خوب بود، انصافا وثوق نوعی است که این‌ها وحدت روایت است. کرّام عن ابی‌بصیر عن ابی‌عبدالله علیه السلام سؤال و جواب، غالبش یکی است. یکی دارد: فلما کان یوم النفر؛ یکی دارد: فلما کان بعد النفر. وثوق نوعی است که این یک حدیث است. [این‌که ] دو حدیث را ابوبصیر به کرام می‌دهد، کرام هم یک بار به عبیس می‌گوید، یکی‌‌اش را می‌گوید، به آن شخص دیگر که در روایت صحیحه بود به او‌طور دیگرش را می‌گوید، این‌ها عرفیت ندارد.

این فرمایش مرحوم استاد. اما فرمایش مرحوم آقای داماد را ان‌شاءالله روز شنبه می‌گوییم. روز شنبه و یک‌شنبه بحث هست. اربعین کربلا هم روز پنجشنبه است؛ خیلی نگران نباشید؛ ان‌شاءالله می‌رسید.

و الحمد لله رب العالمین.